

چرا انسان محور خلقت است و چه رابطه ای با سایر موجودات دارد؟

انسان محور خلقت و مهم ترین مخلوق خداوند

در دروس قبل گفتیم که هدف از آفرینش جهان، مقدمه سازی برای حضور انسان بوده و همه موجودات در خدمت انسان و برای رفع نیازهای او آفریده شده اند؛ به عبارتی، انسان محور خلقت کل جهان و موجودات آن است. حالا می خواهیم بدانیم چرا انسان محور خلقت این جهان با عظمت است؟ مگر انسان کیست و چه مزیتی بر دیگر موجودات عالم دارد؟

قبل از هرچیز ابتدا باید ببینیم منظور از «محور بودن» چیست. «محور بودن» یعنی پایه و اساس چیزی بودن. وقتی می گوییم انسان محور خلقت است، یعنی پایه و اساس آفرینش همه مخلوقات و عوالم هستی، انسان است.

همان طور که می دانیم، تولید یا ساخت هرچیزی حول یک محور مشخص انجام می شود و تمام فرآیندهای تولید یا ساخت متناسب با این محور تنظیم می شود؛ برای نمونه، محور ساخت یک بیمارستان، بیمار است؛ درواقع بیمارستان برای بیمار و با هدف درمان او ساخته می شود؛ در نتیجه سازندگان باید تمام نیازهای بیمار در ابعاد مختلف را در ساخت و مدیریت بیمارستان لحاظ کنند، از بخش هایی مانند اورژانس و بستری گرفته، تا بخش مراقبت های ویژه برای بیماران بدحال، اتاق جراحی، داروخانه، پزشکان ماهر با تخصص های مختلف، پرستاران، تجهیزات پزشکی، بخش های اداری، آشپزخانه، سرویس بهداشتی و خلاصه تمام تجهیزات و نفراتی که بیمار در مدت اقامت در بیمارستان، به آن ها احتیاج دارد.

در نمونه ای دیگر مانند مدرسه، دانش آموز محور است؛ هدف از ساختن مدرسه، ارتقای ابعاد مختلف ذهنی، جسمی و شخصیتی دانش آموزان است و کسی که مدرسه را می سازد، باید به تمام این ابعاد فکر کرده و برای ارتقای آن ها برنامه ریزی کند؛ پس وقتی می گوییم انسان محور خلقت جهان است، یعنی

خداوند به عنوان خالق و پدیدآورنده عالم، کل جهان هستی را از عالم ماده تا ملکوت و جبروت، برای انسان و رساندن او به هدف نهایی خلقتش آفریده است؛ درواقع همه عوالم و موجودات طفیلی وجود انسان و در خدمت تکامل او هستند.

حالا که مفهوم محوریت انسان در جهان هستی را متوجه شدیم، برگردیم به سؤالی که در ابتدا مطرح کردیم؛ اینکه چرا انسان محور خلقت است و چه مزیتی بر سایر موجودات دارد که خداوند همه چیز را برای او آفریده است؟

انسان، مظهر اسماء و صفات الهی

مهم ترین علت برتری انسان بر سایر موجودات، جایگاه ممتاز او در نظام آفرینش است. انسان دارای مقام خلافت الهی است؛ جایگاه ویژه ای که هیچ یک از مخلوقات، حتی فرشتگان، از آن برخوردار نیستند. خلیفه یعنی کسی که به جای شخص دیگر می نشیند و به اذن او اجازه حاکمیت دارد. شرط خلیفه بودن، شباهت داشتن است. یک شخص زمانی می تواند خلیفه و جانشین دیگری باشد که از همه لحاظ به شخص اول شباهت داشته باشد؛ وگرنه مقام خلافت کامل نمی شود. از این رو، نام خلیفه الله نیز زمانی برآورنده انسان است که او از همه لحاظ به الله شباهت یافته و تمام اسماء و صفات الهی را در وجود خود متجلی کرده باشد.

طبیعتاً رسیدن به چنین جایگاه رفیعی، مجاهدت و تلاش فراوان می طلبد و همه کس حاضر نیست قدم در این راه بگذارد؛ در نتیجه می توان گفت مقام خلافت الهی، یک مقام بالقوه است، نه یک مقام بالفعل. به عبارت دیگر، همه انسان ها به مقام خلیفه الهی نمی رسند؛ بلکه هرکس به هر اندازه که تخلق به اخلاق الهی پیدا کند، به همان اندازه سهمی از این خلافت دارد.

نکته مهم اینجاست که اسماء و صفات الهی در وجود انسان بالفعل نیستند و او برای بالفعل شدن آن ها و به عبارتی خلیفه خدا شدن، به جهان ماده و تضادها و تعارض های حاکم بر آن نیاز دارد. خداوند انسان را مختار آفرید تا در دنیا با اختیار خود مسیر شبیه شدن به الله و دریافت اسماء الهی را طی کند. از طرف دیگر پروردگار حکیم هرآنچه که انسان در این مسیر لازم داشته را به بهترین وجه برایش آفرید و همه چیز را با ساختار ریاضی وجود او هماهنگ کرد تا او را در حرکت به سمت هدف خلقتش کمک کنند؛ به عبارتی انسان محور خلقت همه عالم است و میان او و تمامی مخلوقات عالم، رابطه وجودی برقرار است. هیچ چیزی در عالم، اعم از عالم ماده و عالم غیب و ملکوت وجود ندارد که با انسان تنظیم نشده باشد و برای او و متناسب با هدف خلقت او نباشد. در ادامه به اختصار و برای نمونه به ارتباط انسان با عالم ماده، فرشتگان و شیطان می پردازیم.

ارتباط انسان و عالم ماده

انسان محور خلقت عالم ماده است. خداوند ساختار وجودی ما انسان ها را طوری طراحی کرده که برای رسیدن به هدف خلقت و دریافت اسماء الهی به داشتن بدن مادی و همچنین قرار گرفتن در محیطی سرشار از تضاد و تعارض نیاز داریم، تا در برخورد با چالش های این محیط رشد کرده و شرایط دریافت اسماء الهی برایمان فراهم شود.

تنها محیطی که از چنین شرایطی برخوردار است عالم ماده است. لذا خداوند طی قوس نزول، روح ما را از عالم جبروت و ملکوت به عالم دنیا فرستاد تا با تعلق گرفتن به بدن و قرار گرفتن در شرایط متضادی از قبیل سلامتی و بیماری، زیبایی و زشتی، ضعف و قدرت بدنی، ثروت و فقر و ... به تکامل برسیم و استعدادهای نهفته در درونمان شکوفا شود؛ برای مثال اگر ما در شرایط دشواری مثل بیماری یا تنگدستی به جای اینکه به غم، غصه، ناشکری و ناامیدی دچار شویم، صبور و شکرگزار باشیم، کم کم به مرحله ای

می رسیم که مظهر اسم صبور و شکور خدا می شویم و این اسماء در وجودمان تجلی پیدا می کند. در نمونه ای دیگر، ما در روابط خانوادگی مان با خانواده و سایر اعضای فامیل و در روابطمان با دیگر انسان ها، مانند همکاران، همسایه ها، همشهری ها و... دائماً در معرض امتحان هستیم و اگر از این امتحانات به سلامت عبور کنیم، صاحب بسیاری از اسماء الهی مانند رحمان، کریم، غفور، شکور، جواد، ستار و... می شویم و به تدریج روحمان وسعت پیدا می کند؛ اصلاً ما برای همین به دنیا آمده ایم تا جلوه ای از صفات خدا باشیم و هرچه در این مسیر بیشتر بکوشیم، بیشتر به خدا نزدیک و شبیه می شویم. به طور مثال کسی که نسبت به دیگران مهربان و بخشنده است، در رحمانیت و جود و بخشش شبیه خداوند می شود. کسی که عیوب دیگران را نادیده می گیرد، در عیب پوشی و ستارالعیوبی شبیه خدا می شود و ...

به طور کلی همه عالم ماده، مانند کوه ها، دشت ها، جنگل ها، اقیانوس ها، همه حیوانات، انواع گیاهان مثل درختان، گل ها، میوه ها و خوراکی های مختلف، همچنین همه اجرام آسمانی از جمله خورشید، ماه، ستارگان و ... برای ما و متناسب با ساختار وجودی ما خلق شده اند، تا وسیله ای برای بهره برداری ما و حرکتمان به سوی کمال باشند.

ارتباط انسان و ملائکه

ما انسان ها در مسیر خود به سمت تکامل به ملائکه یا فرشته ها نیاز داریم. خداوند متعال میلیاردها میلیارد فرشته با کارکردهای مختلف را برای ما آفریده است تا امورات زندگی مان را تدبیر کرده و خدمتگزارمان باشند. ملائکه کارگزاران عالم هستند و به اذن خداوند عالم را اداره می کنند. هیچ حرکتی در نظام طبیعت، بدون دخالت ملائکه انجام نمی پذیرد و اگر ایشان نباشند، زندگی هیچ موجودی در زمین امکان پذیر نخواهد بود. انواع حرکت های زمین، نگهداری اجرام در فضا، حفظ فاصله زمین با خورشید و سایر کرات، تنظیم اتمسفر، حرکت ابرها، باران، برف، باد، رعد و برق، رویش گیاهان و تمامی مراحل تولد و

مرگ موجودات و بسیاری از کارهای دیگر، همگی برعهده ملائکه است. علاوه بر همه این ها امورات مختلفی مانند الهامات خیر به قلب ما و ثبت اعمال خیر و شری که انجام می دهیم نیز توسط ملائکه انجام می شود.

Mentazer Mentazer

ارتباط انسان و شیطان

شیطان موجودی است که در مسیر رسیدن ما به تکامل مانع ایجاد می کند؛ لذا به نظر می رسد که وجودش به ضرر ماست، اما درواقع اینگونه نیست. شیطان هم مثل سایر مخلوقات خدا منشأ خیر است و اتفاقاً اگر درست با او رو به رو شویم، سرعت حرکتمان به سوی خدا چند برابر می شود. ما برای رسیدن به هدف خلقت به وسوسه های شیطان نیاز داریم. او با تحریکات و وسوسه های خود قدرت درونی ما را به چالش می کشد و نقاط ضعفمان را آشکار می کند. ما به واسطه این مبارزه روز به روز قوی تر شویم و اسماء بیشتری از خدا را دریافت کنیم؛ برای مثال وقتی در مقابل تحریک شیطان برای خشمگین شدن، ایستادگی می کنیم و خشم خود را مهار می کنیم، اسم صبور را در خود فعال می کنیم، یا وقتی کسی در حق ما بدی می کند و ما به جای حس انتقام جویی و کینه ای که شیطان به دلمان می اندازد، آن فرد را می بخشیم و از خطایش چشم پوشی می کنیم، دریافت کننده و تجلی دهنده اسم غفور خدا خواهیم بود.

در این درس درباره جایگاه رفیع انسان در نظام آفرینش و ارتباط او با سایر موجودات صحبت کردیم و دانستیم که چرا انسان محور خلقت نامیده می شود. خداوند اراده کرد موجودی به نام انسان را بیافریند تا مظهر و آینه تمام نمای صفات او باشد. حقیقت انسان، دارای همه اسماء و صفات الهی است، اما این اسماء به صورت بالقوه در او وجود دارند و او باید با اختیار خود، این اسماء را در وجودش فعال کند و به مقام خلیفه اللهی برسد. انسان برای رسیدن به این هدف به کل نظام خلقت اعم از عالم ماده یا ناسوت، ملکوت

Mentazer Mentazer

و جبروت نیاز دارد. او باید با بدن مادی در زمین حضور داشته باشد و از رهگذر عبور از تضادها و تعارض های عالم ماده، مسیر رسیدن به کمال را طی کند. به همین دلیل کل نظام آفرینش در راستای هدف انسان و متناسب با ساختار وجودی او آفریده شده و به عبارت دیگر، انسان محور خلقت کل جهان است.

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer